

مدیریت ورزشی - پاییز ۱۳۹۰
شماره ۱۰- ص ص : ۱۳۶-۱۲۱
تاریخ دریافت : ۸۹ / ۰۷ / ۰۸
تاریخ تصویب : ۸۹ / ۱۰ / ۱۳

فتوت، شجاعت، پهلوانی، قهرمانی و ورزش در ایران عصر صفوی

حسین یزدی^۱

استادیار گروه مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم

چکیده

هدف از این پژوهش، مرور اجمالی بر نقش و اهمیت جوانمردی، پهلوانی و ورزش ایران در عصر صفوی است و محقق در پی یافتن نقش فتیان، عیاران، پهلوانان، قهرمانان و به عبارتی ورزشکاران در چگونگی شکل‌گیری حکومت صفویان و تثبیت و به اوج شکوه و اقتدار رسیدن ایران و افول و انقراض آن سلسله است. و این که چرا هر گاه حکومت صفویه قوی تر شد نقش ورزش و ورزشکار در آن بسیار پررنگ‌تر می‌شد و هر گاه که صفویان ضعیف می‌گردیدند جوانمردی و پهلوانی و ورزش نیز نقش کم‌رنگ‌تر می‌شد. حکمرانان اولیه صفوی از شاه اسماعیل اول گرفته که مؤسس این سلسله بود و اروپاییان به او لقب شوالیه دادند تا شاه عباس اول صفوی که اروپاییان به او لقب کبیر دادند و ایران را به اوج شکوه و اقتدار و آبادانی رساند همگی از دلاوران و پهلوانان و قهرمانان و ورزشکاران بودند و به تبع آنان زیردستان و سایر مردم نیز روی به پهلوانی و ورزش آوردند و ورزش و پهلوانی در کشور به صورت یک ارزش درآمد و بسیار رشد و توسعه و ترقی پیدا کرد. پادشاهان و لیکن پادشاهان پایانی سلسله صفوی افراد ضعیف النفس بودند و متأسفانه به تبع آنان پهلوانان و جوانمردان و ورزشکاران نیز نوعاً تبدیل به افرادی سست عنصر گشتند و ورزش ورزشکار نیز رو به افول گذاشت. طبیعی است هرگاه الگوها و بزرگان و حاکمان کشور خود جوانمرد و قهرمان ورزشکار و ورزش دوست باشند و از آن حمایت کنند و به آن اهتمام ورزند، پهلوانی و قهرمانی نیز توسعه خواهد یافت و هر گاه حکام و مدیران جامعه سست و بی انگیزه باشند سیر ورزش نیز نزولی و معکوس می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

صفویان، جوانمردی، پهلوانی، شجاعت، سوارکاری، تیراندازی.

مقدمه

فرهنگ و تمدن ایران همیشه مرهون اعصاری بوده که ملت شریف و نجیب و شجاع ایران در آن عصر طعم ثبات و امنیت و آرامش و یکپارچگی را چشیده و دوران سخت و طاقت فرسا و خانمانسوز عدم تمرکز و ملوک الطوائفی و آشوب های داخلی بیگانگان خارجی را پشت سر نهاده اند و از درون ویرانه ها و خرابه های ناشی از عدم وحدت و یکپارچگی و ضعف پادشاهان و تهاجمات سیاسی نظامی و اقتصادی و فرهنگی دشمنان سر برون کرده و دوباره ایرانی آباد و آزاد بنا کرده اند. صفویان با دلاوری های ملت شجاع ایران دشمنان متجاوز میثاق روس و انگلیس و پرتغال را دفع و ایران را تقریباً به همان مرزهای ایران قبل از اسلام رساندند (جنوب کشور بحرین، شمال کشور ماورای قفقاز، غرب کشور بغداد و شرق کشور قندهار) (۲۱) و اولین حکومت شیعی و مقتدر بزرگ را در تاریخ ایران بعد از اسلام بنا نهادند.

علاوه بر این موفقیت های ایران در عصر صفویان به سرعت مدارج رشد را پیموده و در عرصه های مختلف دینی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، نظامی، ورزشی و ... بسیار ترقی کرد و تحولاتی بس شگرف و عظیم به وجود آورد و چشم جهانیان را خیره ساخت و سفرنامه نویسان فرنگی در کتاب هایشان از اصفهان این گونه یاد کرده اند (نیمی از جهان اصفهان و نیمی دیگرش را بهشت تشکیل می دهد) (۱۱) و یا ضرب المثل اصفهان نصف جهان را این گونه تفسیر کرده اند (شهر اصفهان به تنهایی به منزله نیمی از جهان است) (۱۲). عصر صفوی عصر شکوه علم و دانش نیز بوده و ایران در زمینه های مختلف علمی پیشرفت کرد و عرصه برای عرضه کردن علوم در رشته های گوناگون توسط دانشمندان چون مقدس اردبیلی، شیخ بهایی، میرداماد، ملاصدرا، صدرالحکما، میر فندرسکی، محمد تقی و محمدباقر مجلسی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا عبدالرزاق لاهیجی، قاضی سعید قمی، محقق سبزواری و ... فراهم گردید.

ایران در عصر صفویه علاوه بر موفقیت در حوزه های یاد شده در زمینه فتوت و عیاری، پهلوانی، جوانمردی، قهرمانی و ورزش، تیراندازی، شمشیرزنی، سوارکاری، شنا، دو، چوگان، شکار و علی الخصوص ورزش باستانی و زورخانه رشد بی نظیری داشت و پادشاهان و دولتمردان صفوی به جد ورزش و پهلوانی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند چون می دانستند جهت رسیدن به اهدافشان باید مردمانی دلاور و قهرمان و سالم و چست و چالاکت و

بی باک داشته باشند و بدین جهت سه عنصر دین و مذهب و ملیت (اسلام و تشیع و ایران) را با هم آمیختند و از ملت ایران پهلوانانی ساختند که به راستی عاشق اسلام و تشیع و ایران بودند و در دفاع و حمایت از ایران تا سر حد شهادت به پیش می رفتند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات تاریخی است که شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای گذشته است. هدف از مطالعه تاریخی، رسیدن به نتایجی مربوط به علل، تاثیرات یا روند رویدادهای گذشته است که ممکن است به روشن کردن رویدادهای کنونی و پیش‌بینی وقایع آینده کمک نماید. مراحل اجرای یک مطالعه تاریخی معمولاً مانند سایر انواع تحقیق است. یک مطالعه تاریخی همانند یک مطالعه تجربی باید مبتنی بر یک فرضیه باشند (۵). محققین تاریخی باید در جستجوی اطلاعات موجود باشند.

منابع موجود در این تحقیق شامل منابع اولیه و ثانویه است. منابع اولیه شامل اطلاعات دست اول مانند گزارش شاهدان عینی مانند منشیان و سفرنامه نویسان و اسناد اصلی و کتب قدیمی هستند و منابع ثانویه شامل اطلاعات دست دوم نظیر توصیف یک واقعه توسط شخص ثالث به جای شاهد عینی می باشد مانند کتب جدید و در این تحقیق با توجه به غنی بودن منابع تاریخی دوره صفویه و محدود بودن منابع ورزشی آن عصر هم از منابع محض تاریخی و هم از منابع ورزشی باستانی زورخانه و شکار و تیراندازی و سوارکاری و شمشیرزنی و کشتی و دویدن و چوگان و سایر رشته‌های ورزشی بهره برده است و با هم در آمیختن منابع قدیمی و جدید و ارتباط دادن مطالب و تفسیر یافته‌ها بحث و نتیجه‌گیری شده است.

شجاعت و دلاوری های شاه اسماعیل صفوی بنیانگذار حکومت صفویان و هم‌زمانش

مقارن با ظهور صفویان در همسایگی ایران، دولت‌های مقتدر و تازه نفس سربرآورده بودند که تا آن زمان یا وجود نداشتند و یا به این درجه از قدرت نرسیده بودند. در شرق ایران دولت بیابانگرد و خشن ازبک‌ها که خود را جانشینان تیمور می‌دانستند در غرب ایران عثمانی‌ها که داعیه خلافت و رهبری جهان اسلام را داشتند. در جنوب ایران استعمارگران اروپایی به سرکردگی بریتانیای کبیر که جزایر خلیج فارس و شهر بندرعباس را در

دست داشتند. در شمال ایران هم روس ها در قفقاز خودنمایی می کردند. البته دولت گورکانی هند در قندهار و اعراب در عمان چالش هایی برای صفویان به وجود آورده بودند و این همه تهدید حداقل در تاریخ ایران بعد از اسلام بی سابقه بوده است.

ایرانیان شجاع و جوانمرد با حماسه سازی های بی نظیر به رهبری شاه اسماعیل صفوی که خود از قهرمانان و پهلوانان بود توانستند بنای یک حکومت مقتدر براساس وحدت ملی، دینی و مذهبی را بگذارند.

شاه اسماعیل صفوی خود جلودار و خط شکن در نبردها بود به گونه ای که در نبرد چالدران علی رغم اینکه عثمانی ها از سلاح گرم استفاده کردند و ایرانی ها هنوز به سلاح گرم مجهز نبودند شکست خورد و لیکن یک افتخار ملی دینی و قهرمانی و شجاعت در تاریخ ایران و جهان از خود به یادگار گذاشت.

برخی از سروده های حماسی شاه اسماعیل صفوی

شاه اسماعیل صفوی دو دیوان شعر به زبان های فارسی و آذری دارد که بیشتر سروده هایش در مدح اهل بیت (ع) و اشعار حماسی است که حاکی از شجاعت او می باشد مانند این شعر :

عروس ملک کسی در کنار گیرد تنگ که بوسه بر لب شمشیر آب دار دهد

و هم چنین :

شکسته سلاح و گسسته کمر نه یارای دست و نه پروای سر

و یا :

گر عنان ظفر بجنابند بازدارند چرخ را ز مدار

و نیز :

ای دوست بر جنازه دشمن چو بگذری شادی مکن که بر تو همین ماجرا رود

و همین طور :

گرفته همه روی آفاق خون شده عرصه این زمین لاله گون (۴)

شاه اسماعیل چنان در نبردها از خود شجاعت نشان می داد که دلاوری ها و بی باکی های او برای همگان درس بود و یارانش نیز به او چنان تأسی می کردند که گویا در میان این سربازان وطن ترس جای ندارد.

شاه اسماعیل در سال ۹۱۴ ه. ق / ۱۵۰۸ م وقتی وارد بغداد شد به محلی رسید که در آن مکان بیشه شیری بود که به مردم آن محل آزار و اذیت فراوان رسانده بود و شاه اسماعیل شخصاً یکه و تنها به سراغ آن شیر رفت و او را هلاک کرد (۹). او همچنین در سال ۹۰۵ ه. ق / ۱۴۹۹ در ساروقیه در دهکده ای با خرسی درنده جنگید و با این که نوجوانی بیش نبود خرسی را از پا درآورد (۱۰). "آن حضرت در میدان رزم هژیوی بود خنجرگذار و در مجلس بزم ابری بود گوهرنثار" (۲۱).

شاه اسماعیل صفوی شمشیر زنی ماهر و تیراندازی قهار و دونده‌ای تیز پا و سوارکاری بسیار چست و چالاک بود او هم از قوای جسمی بالایی برخوردار بود و هم از روحی بسیار بالا و شجاع و اعتماد به نفس عالی داشت و زبردستانش هم همین طور بودند.

اصولاً در دوران صفویه از شاه اسماعیل اول تا شاه سلطان حسین خصوصاً در دوره شاه اسماعیل بنیانگذار صفویه و شاه طهماسب کسی که صفویان را تثبیت کرد و شاه عباس کسی که صفویان را به اوج شکوه و اقتدار رساند رویکرد اصلی ورزش علاوه به تفریح و تفرج و سرگرمی و مسابقه بیشتر به جنبه‌های حماسی، جنگاوری، شجاعت و دلاوری و آمادگی جسمانی و روحانی برای دفاع از حریم ایران و اسلام و مکتب تشیع بوده است.

اکثر پادشاهان صفوی همچون شاه اسماعیل یکم به توسعه پهلوانی و جوانمردی و ورزش اهتمام ویژه داشته‌اند و در این میان شاه عباس کبیر خود به عنوان یک ورزشکار زبده برای جوانان ایرانی الگو و سرمشق بوده است.

شاه عباس کبیر خود بسیار شجاع و قوی و تیرانداز و سوارکار و شمشیرزنی ماهر بود و دارای صفات پهلوانی، جوانمردی، تواضع و عیاری بود و در عصر زورخانه‌های زیادی بنا می شود و ورزش در هر دو شکل پهلوانی و قهرمانی رواج فراوان پیدا می کند.

شاه عباس هم بسیار متواضع و ساده در میان مردم ظاهر می شود (در جمع امیران خود لباس‌های ساده به تن می کرد). شاه عباس کبیر در تیراندازی با تیر و کمان چنان ماهر بود که روی نوک پا از محل خود بدون نیاز

به تکیه گاهی تیراندازی می کرد (۷). در شجاعت و جنگاوری شاه عباس سفرنامه نویسان مطالب زیادی نوشته اند: شاه عباس فارس و جنگ آور و سلحشور و بهادر و جسور و در استعمال آلات حرب از تیر و تفنگ و چابک سواری در میان همگنان معروف و مشهور بود (۱۳).

ورزش در عصر صفوی

از آثار به جای مانده عصر صفوی چه در کتاب‌ها و چه در سایر آثار هنری مانند نقاشی‌ها، مینیاتورها، معماری‌ها، سفال سازی‌ها، کاشی کاری‌ها، فلزکاری‌ها، کتاب سازی‌ها خصوصاً جلد کتاب‌ها، نقوش و معرق‌ها همه و همه به این نکته می توان پی برد که در عصر صفوی پهلوانی، جوانمردی، حماسه، قهرمانی و انواع رشته‌های ورزشی دویدن یا شاطری، کشتی و ورزش‌های زورخانه‌ای و ... بسایر حائز اهمیت بوده (۱۱).

شاهان صفوی حاکمانی بودند که از هر حیث خصوصاً از نظر حماسی و نظامی آمادگی کامل برای مقابله با متجاوزان خارجی داشتند و این موضوع برایشان بسیار مهم بود که نیروهای طرفدارشان از نظر روحی و جسمی همیشه جان بر کف آماده باشند لذا از رخوت و سستی بی زاری می جستند و به چست و چالات و قوی و شجاع و دلاور و وفادار بودن ارج می نهادند و عمده تعلیمات نیروهای قزلباش شامل "تیراندازی، سوارکاری و شمشیرزنی بود". نیروهای قزلباش علاوه بر تیراندازی و سوارکاری و شمشیرزنی به دویدن، شنا، کشتی، زوبین افکنی، چوگان و ورزش‌های زورخانه‌ای نیز می پرداختند.

حکام صفوی خود هم ورزشکار بودند و هم به ورزش اهمیت می دادند راجع به شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل اول صفوی آورده‌اند که او در جوانی دلیر و بی باک بود و به فنون رزمی وقوف کامل داشت. گفته شده است که او هزار نیزه و شمشیر و سپر شخصاً ساخته است (۱).

یکی از تجار ونیزی که در زمان شاه اسماعیل اول در تبریز بوده است می گوید: شاه اسماعیل چون غزالان چابک است ... از تمام امرای خود قوی تر است در تیراندازی چنان مهارت دارد که از ده سیب، شش عدد را فرو می افکند (۲۰).

نوروز و مسابقات ورزشی در عصر صفویان

جشن‌های نوروزی در عهد صفوی در ایران بسیار با شکوه و پررونق برگزار می‌گردید. در ایام نوروز در سرتاسر ایران آن روز از ماورای قفقاز گرفته تا خلیج فارس و از خراسان تا بغداد مردم در حین برگزاری جشن‌های نوروزی در مسابقات ورزشی شهر و دیار خود برگزیده می‌شدند و از سراسر ایران برای مسابقات نهایی و قهرمانی و پهلوانی به اصفهان می‌آمدند و بیش از هفت شبانه روز در میدان نقش جهان مقابل عالی قاپو مسابقه می‌دادند و شناگران زبردست و ماهر نیز چند روزی در زاینده رود و استخرها به مسابقات شنا می‌پرداختند (۱۰). در عهد صفویان سوارکاران چابک و تیراندازان ماهر به مسابقات چوگان‌بازی و قیچ اندازی نیز می‌پرداختند.

در نوروز بیشتر رشته‌های ورزشی که ورزشکاران به مبارزه با یکدیگر می‌پرداختند زوبین افکنی، دویدن و ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای بود اگر مسابقات ورزشی نوروز را در عصر صفوی به نام المپیاد ورزشی بخوانیم دور از واقعیت نیست و اینجا بود که قهرمانان و پهلوانان کشور انتخاب می‌شدند و نام شهر و قهرمانان و پهلوانانشان بر سر زبان‌ها می‌افتاد و ورزشکاران در حد مقامی که می‌آوردند جایزه می‌گرفتند. از جشن‌هایی که در نوروز در اصفهان برگزار می‌شد مسابقات ورزشی از جذاب‌ترین و پرتعدادترین و بیشترین تماشاچی را داشت و شاه و بزرگان کشوری و لشگری مستقیماً با عشق و علاقه و شور این مسابقات را از نزدیک تماشا می‌کردند و به آن رونق می‌بخشیدند و این حضور شاه و حاکمان صفوی موجب آن می‌شد که مردم به ورزش و قهرمانی و پهلوانی بیشتر روی آورند.

ورزش باستانی و زورخانه در عصر صفوی

صفویان چون روح ملی‌گرایی و وطن‌دوستی را با عشق به علی(ع) و تشیع به هم آمیختند و در بین مردم رواج دادند در همین راستا به ورزش باستانی و زورخانه به خوبی پرداختند و در این عصر بود که زورخانه توسعه پیدا کرد و در زورخانه ورزشکاران همه به علی(ع) اقتدا می‌کردند و زورخانه معنی علی دوستی و عشق به علی و پهلوانی و جوانمردی و توضع و درست‌کرداری و مردم‌داری داشت و صفویان به لجه شیرین آذری می‌گفتند "آل توت ماق علی (ع) دن گالیب" دستگیری از علی (ع) مانده. زورخانه در عصر صفوی از مکان‌های بسیار مقدس بشمار می‌رفت و مردم زورخانه را جای پاکان و نیکان می‌دانستند و ورزشکاران از متن مردم جوشیده

بودند و پیوسته با آداب و رسومی که به خانه خدا (مسجد) می رفتند یعنی باطن پاک وارد زورخانه می شدند. حتی تقدس زورخانه به جایی رسید که توده‌های مردم در آن جا شمع روشن می کردند (۱۶).

قیق که به آن قاپوق نیز گفته می شد چابک سواران و تیراندازان آن را هدف قرار می دادند و هر کس که گوی را از فراز قیق حین سواری و تاخت و تاز به زیر می انداخت جایزه دریافت می داشت. پهلوانان زورخانه‌ها در عصر صفوی امین مردم بودند و مردم روی آنها قسم می خوردند به طوری که کسانی که به زیارت مکه و عتبات و مشهد و یا برای تجارت به هندوستان می رفتند زن و فرزند (ناموس) و اموال خود را به آنها می سپردند و پهلوانان درکمال صداقت و جوانمردی از آنان نگهداری می کردند. حتی بعضی از مردم به ویژه متمولین و متمکنین در وصیت نامه‌های خود پهلوانان را قیم بازماندگان صغیر خود معرفی می کردند.

از پهلوانان نامی عصر صفوی می توان از پهلوان بیک قمری، پهلوان میرباقر آجر پز، پهلوان جلال یزدی و پهلوان حیدر و ... نام برد. شاه طهماسب و شاه عباس کبیر به ورزش خاصه زورخانه و کشتی و انجام مسابقات ورزشی بسیار اهمیت می دادند و مشوق بزرگی برای پیشرفت ورزش زورخانه و کشتی بودند و از پهلوانان حمایت می کردند و در دربار خود نیز پهلوانان فراوانی داشتند که معروفترین این پهلوانان در دربار شاه طهماسب اول صفوی پهلوان مذاقی عراقی بود (۳).

زورخانه در عصر صفوی‌ها همانند مسجد یک نهاد مقدس و مردمی بود و ساختمان آن شباهت با تکایا و خانقاه‌ها داشت. پایین بودن سطح آن از سطح زمین شباهت به محراب مساجد داشت که گود بود و شاید حکایت از فروتنی افتادگی و تواضع باشد و سقف هلالی زورخانه شبیه سردابه‌ها، گرمابه‌ها، تکیه‌ها و خانقاه‌های قدیمی بوده است. آلات ورزشی زورخانه رزمی و حماسی بود و اینها وسایل کمک آموزشی نظامی بوده‌اند که به جای گرز از میل و به جای کمان از کباده و به جای سپر از سنگ استفاده می شده است و همین طور شنا رفتن بازوان و کتف‌ها را قوی و محکم می کند و برای ورزیدگی در جنگ‌های دریایی و یا عبور از زورخانه‌ها بسیار مؤثر بوده است و چرخ زورخانه‌ای نیز برای موقعی بوده است که پهلوانان در بین چند نفر دشمن به محاصره افتاده است و با آن طریق می تواند از چنگشان بگریزد. اخلاق پدرسالارانه زورخانه در عصر صفوی حاکی از احترام به نیاکان و پدران و بزرگان و پیشکسوتان بوده است. مرشدها نیز در زورخانه‌ها علاوه بر زدن ضرب با ریتم حماسی و نواختن زنگ زورخانه برای بزرگان اشعاری در مدح علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم

السلام و حماسی رزمی می خوانند که در عصر صفوی از دیوان شاه اسماعیل اول صفوی اشعاری که در مدح رسول ا... (ص) و علی (ع) و اهل بیت (ع) بود بیشتر خوانده می شد :

مانند :

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با آل علی هر که در افتاد، بر افتاد

و یا :

بود مهر علی و آل او چون جان مرا در بر غلام شاه مردان است اسماعیل بن حیدر

و نیز :

احمد مرسل که خرد خاک اوست هر دو جهان بسته فتراک اوست

همچنین :

ز مشرق تا به مغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است (۴)

عمده هدف ورزش باستانی و زورخانه و کشتی در عصر صفوی علاوه بر رویین تن شدن و نیرومند شدن و چست و چالاک شدن و آموزش های رزمی و حماسی کسب سجایای اخلاقی، پهلوانی، فتوت و جوانمردی و تقوی و نظم و انضباط بوده است.

برخی از اصطلاحات رایج در زورخانه در عصر صفوی

۱. مرشد : مرشد در قبل از دوره صفوی به کهنه سوار اطلاق می شد و در عصر صفوی به موعظه گر و راهنما و پنددهنده و یا به استاد طریقت و اخلاق و امروز به ضرب گیر زورخانه نیز مرشد گفته می شود.
۲. داش : داش مخفف قارداش آذری به معنی برادر که در آن عصر داش محمود، داش حسین، داش علی و ... زیاد به کار برده می شده است و ایجاد حس برادری می کرده است و یا همان صیغه اخوت و

- کسانی که همدیگر را با نام داش صدا می کردند با همدیگر با صفا و مهربان و یکرنگ بودند و به یکدیگر خیانت نمی کردند.
۳. پاتوق : پاتوق کلمه ترکی مغولی است که در عصر صفوی وارد زورخانه نیز شد.
۴. مشدی : مشدی مخفف کلمه مشهدی است و به افراد خوش سیرت و درست کردار اطلاق می گردید و علت آن هم وجود مرکز جوانمردی در شهر مقدس مشهد بوده است و فتیان مشهد الگو و معیار جوانمردی بوده اند (۱۸).
۵. لوطی : لوطی هم به معنای سخاوتمند و هم به معنای بزن بهادر به کار می رفت.
۶. سادات : سادات جمع سید است و به معنی آقایان، ولی در عصر صفوی به علویان نسبت داده شده است و در ایران پس از ورود اسلام همواره سادات مورد احترام خاص و عام بوده اند و این جمله در عصر صفوی بعضاً به کار برده می شد که سادات را دوست داشته باشید و گرامی بدارید و احياناً بدانشان را به احترام خوبانشان ببخشید (البته در حد رفت و آمدهای کوچک و معمولی نه موضوعات بزرگ و جدی و انسانی).
۷. سالار : سالار به معنی بزرگ به کار می رفت اگر به کسی سالار گفته می شد یعنی خیلی بزرگ و منظور بزرگ منش بود.
۸. قرق : قرق لفظ ترکی مغولی است و در اصل به معنی منع و بازداشتن، جلوگیری از ورود اشخاص به جایی است (۱۹).
۹. پهلوان باشی : پهلوان باشی آذری است. باشی سر وبا لفظ "ی" نسبت به سرپرست پهلوانان در دوره صفوی اطلاق می شد.
۱۰. کیبودی زدن : خالکوبی را در عصر صفوی کیبودی زدن می گفتند و بنابر اعتقادات مذهبی روی بدن خود نقش هایی را خالکوبی می کردند (۳).

پهلوانان و جوانمردان و فتیان برای خود اصولی داشتند بدین شرح : ۱. توبه؛ ۲. سخا؛ ۳. تواضع؛ ۴. امن؛ ۵. صدق؛ ۶. هدایت؛ ۷. نصیحت و وفا (۴).

آداب و ویژگی‌های بسیار خوبی پهلوانان و اساتید کشتی در آن عصر داشتند بدین شرح :

اگر پرسند که آداب پهلوانی و استادان کشتی چند است بگو دوازده. اول آن که با خود پاک و بی علت بود، دویم شاگردانی که به پاکی ارشاد کند، سیم بخیل نباشد و چیزی از شاگردان دریغ ندارد، چهارم مشفق باشد بر شاگردان، پنجم طامع نبودن به مال ایشان، ششم هر یک را به قدر قابلیت ایشان تعلیم دهد، هفتم دورویی و ریا نکند، هشتم به شاگردان خود بد نخواهد، نهم اگر کسی کشتی بد گیرد نگوید بد گرفتی بلکه به نرمی سخن گوید، دهم اگر تعلیم گوید در معرکه پوشیده گوید که خصم واقف نگردد، یازدهم باید از علم کشتی با خبر باشد، دوازدهم در هیچ معرکه ذکر پیر و استاد خود را فراموش نکند (۱۷).

فتیان و جوانمردان به مصداق حدیث گران سنگ (لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار) پیرو علی (ع) بودند و این سالکان هفت خصلت بارز داشتند :

۱. دین (باید مسلمان باشد)؛ ۲. ذکوریت (باید مرد باشد)؛ ۳. بلوغ (باید بالغ باشد)؛ ۴. عقل (باید عاقل باشد)؛ ۵. صحت (از نظر بدنی سالم و بدون نقص باشد)؛ ۶. مروت (با مروت و با انصاف باشد)؛ ۷. حیا (با حیا باشد)

چنان چه سالک این خصلت ها را دارا بود به او شلوار جوانمردی می پوشانند که اشاره به فضیلت عفاف و منع نفس از شهوات است که آن را سراویل پوشیدن می گفتند. سپس کمر او را با پارچه و یا کمربندی می بستند که به معنای کمر همت بستن برای انجام کارهای نیک و خوب به خلق است و آن را میان بستن می گفتند. سپس کمی نمک به او می خوراندند که به معنای وفای به عهد و عدالت است جای خوراندن نمک نوشیدن آن نمک از جام فتوت موسوم به کاس الفتوت نیز آمده است (۱۶).

در عصر صفوی عیاری و شاطری آمیخته به هم بود شاطر و عیار علاوه بر بی باکی جوانمرد و پر رفت و آمد و دونده بودند.

در دوره صفویان عیاری و شاطری دارای رونق و اعتبار والایی بود و برای انتخاب بهترین شاطرها مسابقات و آزمایش‌های جالبی ترتیب می‌دادند و از میان برترین دوندگان که چون غزالان تیز پا و سبک مسیره‌های بسیار طولانی را در کمتر زمان می‌دویدند برترین شاطران را انتخاب می‌کردند. شاطران در مواقع خاص در چارپارخانه ها نیز بعضاً مورد استفاده قرار می‌گرفتند (۲).

شاه اسماعیل صفوی علاوه بر این که از پهلوانان و عیاران بود از شاطران تیز پای آن دوران نیز بود و در پیمودن مسافت‌های طولانی در کمترین زمان شهره بود. نقل است که او در یک مورد از راهپیمایی‌ها ۸۹ فرسنگ را از شیراز تا یزد به مدت ۲۹ ساعت پیمود و هم چنین فاصله ۵۰ فرسنگی کوهستان‌های لرستان تا بروجرد را ۲۴ ساعته طی کرد (۸).

جایگاه ورزش بانوان در عصر صفوی

گرچه پادشاهان صفوی هم به لحاظ مسلمان بودن و هم به لحاظ شیعی و هم به لحاظ ترک بودنشان تعصب شدیدی روی بانوان خصوصاً عدم حضور علنی آنان در عرصه روزگار داشتند و حاضر نبودند زنانشان از پس پرده درآیند و سفرنامه نویسان اورپایی هم نوشته‌اند آن پری رویان را آفتاب رویشان را نمی‌دید و ... و لیکن به این غلیظی هم نبوده و بسیار اغراق و کم لطفی نسبت به زنان عصر صفوی روا داشته‌اند.

عصر صفوی دوره ای بود که زن ایرانی همانند مرد ایرانی دوره تحول و تکامل را سپری کرده و تا حدود زیادی در عرصه‌های اجتماعی شرکت داشته و به گونه ای که در برخی از موارد در بسیاری از امور مملکتی چه در مسائل داخلی و چه در مسائل خارجی دخالت داشته‌اند و در بعضی از جنگ‌ها پا به پای مردان در صحنه نبرد شرکت داشته و حتی بعضی از بانوان زخمی و یا اسیر و یا حتی کشته شده‌اند. آموزش‌هایی که در عصر صفوی بانوان می‌دیدند بیشتر عبارت بود از: سوارکاری، تیراندازی، شمشیرزنی، راهپیمایی، دویدن، شکار و ...

زنان عصر صفوی به تناسب اندام و چالاکی بسیار اهمیت می‌دادند آنان علاوه بر این که پرتحرک بودند به ورزش نیز می‌پرداختند به غذا نیز اهمیت فراوانی می‌دادند و رعایت اصول تغذیه و تحرک و ورزش مانع از چاق شدن آنان می‌گردید و شعار معروف زن و مرد صفوی این بود که: ز کم خوری کم شود رنج مرد ___ نه آن که بسیار ماند بسیار خورد.

بانوان صفوی در سه رشته سوارکاری، تیراندازی و شمشیرزنی بیشتر مهارت داشتند. شاهزاده خانم های ایرانی حق داشتند دو شمشیر، یکی به راست و یکی به چپ کمر خود ببندند و این امتیازات مخصوص دربار سلاطین آن عصر بود (۲).

زنان سرداران و مردان اهل شمشیر نوعاً همانند شوهرانشان بسیار چست و چالاک بودند و بعضاً در کنار مردانشان با دشمن می جنگیدند چنان که در نبرد چالدران بسیاری از زنان ایرانی نیز مانند مردان به میدان جنگ رفتند تا در سرنوشت شوهران خود شریک شوند و در این جنگ گروهی از آنان اسیر شده و عده ای نیز کشته شدند (۱۵). علت اصلی این که بانوان عصر صفوی حضور فیزیکی در جامعه داشتند و به راحتی می توانستند در سطح شهر رفت و آمد کنند امنیت بالایی بود که وجود داشت و احترام خاصی بود که در آن عصر به بانوان می گذاشتند.

سیاحان اروپایی علی رغم این که زنان آن عصر را بیشتر به حرمسرا و اندرون خلوت نسبت داده اند اما به این نکته نیز اقرار داشته اند که بانوان را می دیدیم که در سطح شهر آزادانه به رفت و آمد مشغول هستند.

بانوان آن قدر حرمت داشتند که موذنین مساجد اجازه نداشتند از مناره ها اذان بگویند تا مبادا خدای ناکرده چشمشان به اندرون خانه های دیگران بیفتند.

فضای جامعه صفوی فضای شور و حرکت بود فضای سستی و نخوت نبود لذا تیزی و چالاکي و سالم بودن و قوی بودن و نشاط داشتن عرف جامعه آن روز بود به همین جهت زنان نیز در این مقوله از مردانشان عقب نمی ماندند و با ورزش روحیه خود را بالا نگه می داشتند بانوان حرم نیز با اسب سواری و کمندانازی و تیراندازی و شمشیرزنی و شکار خاطر خویش را تسلی می دادند و بسیار ورزیده بودند (۱۰).

بحث و نتیجه گیری

عصر صفوی یکی از باشکوه ترین و بی نظیرترین ادوار تاریخی ایران بعد از اسلام است. اکثر مورخین و مستشرقین و سفرنامه نویسان و نویسندگان داخلی و خارجی از دوران صفویان به نیکی یاد کرده اند و برخی از آنان با عنوان (تجدید عظمت ایران) به ویژگی های مثبت آن زمان پرداخته اند.

یکی از رموز موفقیت حکمرانان صفوی به هم آمیختن سه عنصر دین (اسلام) و مذهب (تشیع) و ملیت (ایران) با تعصب و همیت و غیرت و ایمان و شجاعت و پهلوانی و جوانمردی و عیاری و فتوت و قهرمانی بود.

مردم شجاع و عاشق اهل بیت (ع) ایران در آن عصر جوانمردانه به دفاع از کشور خود می پرداختند و در راه وطن سر از پا نشناخته و برای شهادت در راه دین و مذهب و ملیت از یکدیگر سبقت می جستند.

بر همین اساس و در این راستا یکی از مواردی که شاهان و بزرگان صفوی خود به آن پایبند بودند و مردم نیز به تأسی از آنان مسئله پهلوانی و قهرمانی بود و سالم بودن و قوی بودن و روحیه دلآوری و جوانمردی داشتن از روش های مهم جامعه آن روز بود. به همین خاطر در عصر صفوی به خوبی به ورزش پرداخته شد و ورزش با سرعت تمام و با کیفیت و کمیتی بسیار بالا سیر تکاملی خود را طی کرده و توسعه نیز پیدا کرد.

در آن زمان زورخانه و ورزش باستانی ورزش اول کشور محسوب می گردید و سرمایه گذاری مادی و معنوی بر آن داشتند. زورخانه در آن عصر هم مکان بسیار مقدسی بود و هم محلی برای قوی کردن روح و تن و هم آموزش های نظامی مانند میل (گرز) کباده (کمان) سنگ (سپر) شنو (قوی شدن کتف و بازوان برای شنا کردن در زورخانه و ... بود.

کشتی نیز ورزش رایج کشور بود که علاوه بر زورخانه ها در محله ها و خانه ها در بین جوانان و نوجوانان و حتی کودکان انجام می شد. در عصر صفوی علاوه بر ورزش باستانی و زورخانه و کشتی، سوارکاری، تیراندازی، شمشیرزنی، شنا، دویدن، چوگان و ... از ورزش های رایج بود و در جشن ها و مسابقات و سرگرمی ها به این ورزش ها به صورت جدی می پرداختند.

نکته مهم و آخر این که در عصر صفوی هرگاه حکومت اقتدار پیدا کرده و حکمرانان صفوی قوی بودند ورزش نیز رشد بسیار پیدا کرده و هر گاه چون زمان شاه سلطان حسین صفوی حکومت ضعیف شده بود ورزش نیز افت پیدا کرده و فتوت و پهلوانی و جوانمردی جای خود را به ظلم و بیدادگری داده بود.

در مجموع وجود فضای دوران صفوی جوی بود که باعث توسعه ورزش و پهلوانی و قهرمانی در کشور شده بود و شجاعت و پهلوانی و فتوت نیز رواج چشمگیری داشت و به نفع ورزش کشور بود و عرصه برای فتوت و جوانمردی و عیاری و شاطری و دلآوری و شجاعت و پهلوانی و قهرمانی بسیار مناسب بود.

منابع و مأخذ

۱. پناهی سمنانی، محمد احمد. (۱۳۷۴). "و شاه عباس کبیر مرد هزار چهره". تهران، نشر کتاب نمونه.
۲. تاورنیه، ژان با پیترو. (۱۲۸۹). "سفرنامه تاورنیر". ترجمه ابوتراب نوری.
۳. تهرانچی، محمدمهدی. (۱۳۴۴). "پژوهشی در ورزش های زورخانه‌ای". تهران، انتشارات کتابسرا.
۴. حسینی، میر صالح. (۱۳۸۰). "ایران شاه اسماعیل صفوی". تبریز، نشر آذربایجان.
۵. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۷). "روش تحقیق در مدیریت". تهران، انتشارات بازتاب.
۶. خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المدعده. (۱۳۳۳). "حبیب السیوفی اخبار افراد بشر". مقدمه جلال الدین همایی. تهران، انتشارات خیام.
۷. دولاوله، پیترو. (۱۳۸۱). "سفرنامه پیترو ولاوله". ترجمه شجاع الدین شفا. تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۸. رمضانی نژاد، رحیم. (۱۳۸۷). "تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی". آمل، انتشارات دانشگاه شمال.
۹. روملو، حسین بیک. (۱۳۴۹). "احسن التاریخ". به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. سانسون، (۱۳۷۷). "سفرنامه سانسون". ترجمه محمد مهریار، اصفهان، انتشارات گل ها.
۱۱. سیوری، راجرز. (۱۳۶۶). "ایران عصر صفوی". ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکزی.
۱۲. سیوری، راجرز. (۱۳۶۶). "در باب صفویان". ترجمه رمضانعلی روح الهی، تهران، نشر مرکز.
۱۳. کروسینسکی، (۱۳۶۳). "سفرنامه کروسینسکی". ترجمه عبدالرزاق دنبلی. تهران، انتشارات توس.
۱۴. گودرزی، محمود. (۱۳۸۳). "سیر تطور ورزش باستانی". نشریه حرکت شماره ۲۲ زمستان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. مروار، محمد. (۱۳۸۴). "در باب زنان در دوره صفویه". مجموعه مقالات همایش صفویه درگستره تاریخ ایران زمین، تبریز. انتشارات ستوده.
۱۶. مهدی نژاد، رضا. (۱۳۸۷). "تاریخ تربیت بدنی و ورزش". اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۷. موتاب، احمد. (۱۳۷۷). "آیین فتوت و جوانمردی و پهلوانی تبریز". انتشارات آذربایجان.
۱۸. نفیسی، سعید. (۱۳۴۶). "سرچشمه تصوف در ایران". تهران، انتشارات فروغی.
۱۹. نیکویخت، محمد. (۱۳۸۰). "تربیت بدنی در آیین فرهنگ و ادبیات ایران". تهران، انتشارات مرکز جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۲۰. ونیزیان، ... (۱۳۴۹). "سفرنامه ونیزیان". ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۱. یزدی، حسین. (۱۳۸۳). "عظمت فراموش شده تحلیلی بر تاریخ صفویان". تهران، انتشارات شهر.